

نقش دیپلماسی شهری در شکل‌گیری اتحادیه شبکه شهرهای اطراف خلیج فارس در راستای افزایش همگرایی و تقویت صلح در منطقه

مهسا امیری

دانش‌آموخته برنامه‌ریزی منطقه‌ای، گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.^۱

مرتضی قورچی

استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.^۲

چکیده

در زمینه نقش بازیگران محلی در عرصه‌های فراملی، رویکرد غالب در مدیریت شهری، پیوند شهرها به شبکه شهرهای بین‌المللی به‌منظور بهره‌مندی از مزایای جهانی‌شدن است که ارتقاء جایگاه شهرها در عرصه سیاست جهانی را در پی داشته و منجر به نقش‌آفرینی مؤثر شهرها در نمایندگی منافع مشترک خود و سایر بازیگران شهری با تقویت دیپلماسی شهری شده است. با توجه به ضرورت موضوع، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نیازهای تشکیل یک اتحادیه بین‌المللی از شهرها در اطراف خلیج فارس با تأکید بر تقویت دیپلماسی شهری در منطقه می‌پردازد. در این راستا، زمینه‌های روابط اقتصادی و اجتماعی و وضعیت کنونی منطقه با استفاده از منابع و مقالات معتبر مورد بررسی قرار گرفته و مدل دیپلماسی شهری در منطقه خلیج فارس ارائه شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهرهای این منطقه با وجود عوامل همگرایی فراوان، به‌سمت واگرایی حرکت کرده‌اند و تشکیل یک اتحادیه شهری بین‌المللی در منطقه نقش مؤثری در افزایش همگرایی و ایجاد صلح بیشتر در منطقه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، جهانی‌شدن، شبکه‌های شهری، نومنطقه‌گرایی، دیپلماسی شهری.

(۱) مقدمه

به‌دنبال فرآیند جهانی‌شدن معاصر، رهبران شهری به این نتیجه رسیده‌اند که تعاملات بین‌المللی به یک ضرورت برای پرداختن به ابعاد شهری چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، مهاجرت انبوه، پاندمی‌ها و شیوع بیماری‌های عفونی، ناپایداری مالی، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، آلودگی صنعتی و نابرابری‌های بهداشتی تبدیل شده است (Kosovac & Pejic, 2021; Parnel, 2016; e.g. Bloomberg, 2015). در حالی که هنوز سیاست‌گذاری محلی ممکن است فعالیت غالب دولت‌های محلی باشد، اما انکارناپذیر است که شهرها، بزرگ و کوچک، اکنون باید با یک چشم‌انداز سیاستی وسیع‌تر از ارتباطات، بازارها و هم‌تایان فراتر از سطح محلی مواجه شوند (Acuto et al., 2017: 16). اهمیت روزافزون شهرها و دیپلماسی شهری با این واقعیت گواهی می‌شود که بسیاری از نهادهای فراملی توجه خود را به‌سوی شهرها معطوف کرده‌اند (Beall & Adam, 2017: 20). دولت‌های ملی دیگر به تنهایی قادر به مدیریت مسائل سیاست بین‌المللی شده مانند تغییرات اقلیمی و جرم‌های فرامرزی نیستند (Plujim & Melissen, 2007: 8). بنابراین، با توجه به تحولات اخیر سیستم بین‌المللی، ظهور بازیگران غیردولتی به‌شدت افزایش یافته است (قورچی و امانی، ۱۳۸۸: ۱۷) و دولت‌های محلی بدون تعامل با جهان قادر به انجام مسئولیت‌های قانونی خود در زمینه آموزش، بهداشت، توسعه اقتصادی، حمل و نقل، مسائل زیست‌محیطی و سایر حوزه‌ها نیستند (Fishbone, 2015: 13-14). بر این اساس، تحقق چنین اهدافی نیازمند تقویت دیپلماسی شهری و نقش مقامات محلی در عرصه‌های بین‌المللی است. ضرورت اصلی دیپلماسی شهری دستیابی به اهدافی مانند تحقق صلح پایدار جهانی، رشد و توسعه شهری، تلاش برای حل مشکلات حیاتی انسانی، جلوگیری از نقض حقوق بشر، جلوگیری از

¹ Email: amiri_mahsa@alumni.iust.ac.ir

² Email: m_ghourchi@sbu.ac.ir

تخریب محیط‌زیست، بهره‌برداری از تجربیات و دستاوردهای موفق و جلوگیری از درگیری‌ها است. در چارچوب نقش‌آفرینی بازیگران فراملی در عرصه‌های فراملی، رویکرد غالب در مدیریت شهری اتصال شهرها به شبکه‌های شهری بین‌المللی، به‌منظور بهره‌گیری از مزایای جهانی‌شدن است که با تقویت دیپلماسی شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت شهری، زمینه ورود شهرهای مختلف جهان به عرصه‌های فراملی فراهم می‌گردد (امیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۶). تاکنون، سازمان‌های بین‌المللی زیادی در سطوح مختلف جهانی و منطقه‌ای شکل گرفته‌اند. هر یک از این سازمان‌ها وظایف مختلفی دارند و به جای پرداختن به یک مورد خاص، به بسیاری از مسائل مشترک توجه می‌کنند. خلیج فارس نیز فرصت خوبی را برای شهرهای این منطقه فراهم کرده است تا به یک اتحادیه شهری بین‌المللی متصل شوند و به تبادل تجارب موفق اعضا بپردازند. خلیج فارس در امتداد دریای عمان واقع شده و شامل کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان است. این منطقه با مسائلی مانند اختلافات داخلی بین کشورهای منطقه، تفاوت‌های فرهنگی، آلودگی محیط زیست و غیره مواجه است که نیازمند همکاری جامع بین شهرهای منطقه توسط مقامات شهری و مسئولان محلی است. تشکیل یک شبکه همکار شهری مانند "اتحادیه بین‌المللی شهرهای اطراف خلیج فارس" تأثیر زیادی بر همگرایی شهرها در این منطقه خواهد داشت و به اعضا در دستیابی به تجربیات موفق کمک خواهد کرد. با توجه به ضرورت موضوع و کمبود مطالعات در زمینه تشکیل اتحادیه بین‌المللی شهرها در اطراف خلیج فارس، پژوهش حاضر به بررسی نقش دیپلماسی شهری و تشکیل اتحادیه شبکه شهری در منطقه به‌منظور گسترش هم‌افزایی میان شهرها می‌پردازد. خلیج فارس، با ارتباطش به تنگه هرمز که به‌عنوان شریان حیاتی انرژی جهان شناخته می‌شود و دریای عمان و اقیانوس هند، نزدیکی‌اش به مرزهای دریایی و زمینی منطقه جنوب غرب آسیا و نزدیکی‌اش به قفقاز، به‌عنوان یکی از استراتژیک‌ترین مناطق جهان از نظر سیاست‌های نظامی منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود (چمنکار، ۱۳۸۹: ۱۴) و مسیر ارتباطی اصلی که می‌تواند تجارت و حمل و نقل بین کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر نقاط جهان را برقرار و تسهیل کند. تشکیل اتحادیه شبکه شهرهای پیرامون خلیج فارس نیازمند دیپلماسی شهری قوی است که به پایداری اتحادیه و تحقق اهداف آن منجر خواهد شد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که چگونه تشکیل اتحادیه بین‌المللی شهرها در اطراف خلیج فارس می‌تواند به همگرایی و بهبود روابط منطقه‌ای و در نهایت صلح منجر شود. در این راستا، به بررسی این موضوع که چگونه دیپلماسی شهری همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت کرده است پرداخته خواهد شد. علاوه بر این، برخی از مهم‌ترین مجامع و سازمان‌های شهری بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای مورد بررسی قرار خواهند گرفت. همچنین وضعیت خلیج فارس، فرصت‌ها و مسائل منطقه، روابط اجتماعی و اقتصادی در منطقه و شهرهای آن از منظر روابط خواهرشهری و روابط بین‌المللی آن‌ها در زمینه‌های مختلف بررسی خواهد شد.

۲ مفاهیم و چارچوب نظری

دیپلماسی شهری و همکاری‌های منطقه‌ای

مناطق به‌عنوان بازیگران جدید در نظام بین‌المللی نقش ایفا می‌کنند و فرآیندهای تصمیم‌گیری در سیاست بین‌الملل را از پایین به بالا تحت تأثیر قرار می‌دهند. منطقه‌گرایی جدید به‌طور مؤثری روابط درون‌منطقه‌ای را تقویت کرده، تعاملات بین‌منطقه‌ای را افزایش می‌دهد و تعاملات با نهادهای جهانی را ترویج می‌کند (دهشیری و رضایی جعفری، ۱۳۹۳: ۱۹۷). هتته منطقه‌گرایی جدید را یک فرآیند چندبعدی از ادغام منطقه‌ای در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند (Hettne, 1994). منطقه‌گرایی جدید بر آزادسازی تجارت درون‌منطقه‌ای خدمات و مالکیت معنوی، حرکت آزاد سرمایه و نیروی کار و هماهنگی رژیم‌های نظارتی تأکید دارد (Busch & Milner, 1994: 265). منطقه‌گرایی جدید نقش حیاتی در کاهش خطرات رویارویی بین اعضا و دستیابی به امنیت منطقه‌ای در برابر تهدیدات پیرامونی ایفا کرده و همچنین

بر قدرت ارزش‌های مشترک از طریق همپوشانی هویت‌های ملی اعضاء منطقه تأکید می‌کند که نیاز به گسترش تعاملات دیپلماتیک را افزایش داده است.

دیپلماسی مدرن ریشه‌های خود را در صلح وستفالی^۳ با تأسیس مأموریت‌های دائمی که در پایتخت یک کشور خارجی مستقر می‌شوند، دارد. این توافق، که به معنای تغییر تاریخی در روابط بین‌الملل و انتقال از فنودالیسم به دولت‌های مستقل است (Gross, 1948: 28)، در سال ۱۶۴۸ با شکل‌گیری پیمان وستفالی و دولت‌های سرزمینی، سیستم دولتی سرزمینی را در سیاست جهانی به رسمیت شناخت و به‌عنوان پایه‌ای برای سیستم حکومت مدرن، مرزهای مشخصی را تعریف کرد (Ray, 1998: 120). با این حال، بنیادهای دیپلماسی مدت‌ها پیش از ۱۶۴۸ در دوره‌هایی که دولت-ملت‌ها به شکل کنونی وجود نداشتند و شهرها پیشگام نهادهای سیاست خارجی بودند، تأسیس شده بود. بنابراین، دیپلماسی قبل از وجود دولت‌ها وجود داشت. به‌عنوان مثال، در یونان باستان، دولت‌های شهری مانند آتن و مقدونیه به‌طور منظم نمایندگانی را برای نمایندگی از شهر در مذاکرات منصوب می‌کردند. بعدها، در دوره رنسانس، نخستین شهرهای قدرتمند ایتالیایی مانند ونیز و میلان اولین شهرهایی بودند که مأموریت‌های دیپلماتیک دائمی در خارج از کشور تأسیس و سیستم دیپلماسی سازمان‌یافته‌ای را ایجاد کردند (Nicolson, 2001: 6-33). دولت-ملت‌ها مدت‌هاست که وظایف دیپلماتیک مانند تسهیل ارتباطات، مذاکره بر سر توافقات، جمع‌آوری اطلاعات، پیشگیری از درگیری‌ها و مشارکت در جامعه بین‌المللی را انجام می‌دهند. اکنون شهرها از تاکتیک‌های مشابهی استفاده می‌کنند و با دیپلماسی در سطح دولت تعامل می‌کنند و به مسائلی مانند نیازهای زیرساخت محلی یا رویکردهای مبتنی بر پایین به بالا در زمینه حفظ صلح می‌پردازند (Acuto et al., 2018: 3). دیپلماسی شهری را می‌توان به‌عنوان نهادها و فرآیندهایی تعریف کرد که شهرها در روابط با بازیگران در صحنه سیاسی بین‌المللی برای نمایندگی خود و منافعشان با یکدیگر درگیر می‌شوند. با چنین تعریفی، دیپلماسی شهری می‌تواند به‌عنوان یک نوع تمرکززدایی در مدیریت روابط بین‌الملل در نظر گرفته شود که شهرها را به‌عنوان بازیگران کلیدی انتخاب می‌کند (Plujim & Mellisen, 2007: 11). دیپلماسی شهری به انواع مختلفی از اقدامات بین‌المللی توسط دولت‌های محلی اعمال شده است. با این حال، به‌طور فزاینده‌ای به معنای مشارکت دولت‌های محلی در ایجاد صلح تبدیل شده است (Musich & Sizoo, 2009: 3). به‌گفته تونون، نقش و عملکرد اصلی شهرها در دیپلماسی شهری شامل برقراری صلح و امنیت است (Thonon, 2006: 67). اندیشمندان و کارشناسان مختلفی به مطالعه دیپلماسی شهری پرداخته‌اند. بسیاری از پژوهشگران به نقش شهرها به‌عنوان بازیگران جدید در عرصه روابط بین‌الملل اشاره کرده‌اند که به‌طور فزاینده‌ای نقش برجسته‌ای در صحنه سیاسی جهانی ایفا می‌کنند و منجر به تصمیم‌گیری مقامات محلی برای مداخله در امور جهانی می‌شود (Kosovac et al., 2021; Kosovac & Pejic, 2021; Leffel, 2018). در مطالعات انجام شده توسط برخی از محققان برای درک دامنه و پیچیدگی دیپلماسی شهری، مهم‌ترین جنبه‌های دیپلماسی شهری شامل صلح و امنیت، توسعه، فرهنگ، اقتصاد، شبکه‌ها و نمایندگی مورد توجه قرار گرفته است (Plujim & Melissen, 2007; امیری و همکاران، ۱۴۰۱). برخی از مطالعات بر این نکته تأکید دارند که مدیران شهری به‌عنوان بازیگران جدید شهرها می‌توانند اقدامات لازم را به‌عنوان میانجی‌گران صلح انجام دهند و به شهرهایی که در فضاها و مناطق تحت تنش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند یا در وضعیتی هستند که می‌توان از طریق میانجی‌گری کنترل کرد و به صلح نزدیک شد، کمک کنند (Klaus, 2020; Leffel, 2018; Musich & Sizoo, 2009; Plujim & Melissen, 2007). فرآیندهای دیپلماسی شهری بسیار شکننده و حساس هستند و می‌توانند به صلح یا تشدید درگیری‌ها منجر شوند (کریمی و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۷). مطالعات مختلف به روابط خواهرشهری اشاره کرده‌اند که منجر به پیگیری روابط دیپلماسی شهری می‌شود و شهرها را وادار می‌کند تا از طریق توافقات در چارچوب روابط خواهرشهری، با یکدیگر روابط میان شهری برقرار کنند (Hongyuan et al., 2021; Plujim & Melissen, 2007). به‌گفته برخی

³ Peace of Westphalia

پژوهشگران، شهرها در عرصه فراملی می‌توانند ارتباطات شبکه‌ای برقرار کنند، تأثیر زیادی بر صحنه جهانی داشته باشند و راه‌حلهایی برای بسیاری از مشکلات جهانی ارائه دهند. شبکه‌های شهری به ابزاری برای قدرت و نفوذ ملی در یک فضای جهانی چندقطبی تبدیل شده‌اند که با تنش‌های شدید همراه است و به شهرها این امکان را می‌دهد که به‌طور مؤثر به دنبال اهداف جمعی باشند. مقامات شهری تأثیر زیادی بر صحنه جهانی گذاشته‌اند و برای پیشبرد منافع شهرها، به دنبال ارتباطات فراملی با استفاده از شبکه‌ها هستند (Hongyuan et al., 2021; Kosovac et al., 2021; Kosovac & Pejic, 2021; Santos, 2020; Klaus, 2020; Acuto et al., 2017; Daroudi & Peimani, 2013; Musch & Sizoo, 2009; Plujim & Melissen, 2007). از جمله مسائلی که پژوهشگران به آن توجه کرده‌اند، نقش دانشگاه‌ها در شهرهای مختلف به‌عنوان دروازه‌ای برای دانش و مشارکت بین‌المللی است که در دیپلماسی شهری بسیار مهم و تأثیرگذار است و پیوند بین شهرها را تقویت می‌کند. دانشگاه‌ها نیروی انسانی متخصص مورد نیاز شهرها را تأمین می‌کنند و نمایشگاه‌های بین‌المللی را برگزار می‌کنند، که منجر به حضور و مشاوره مدیران شهری و سرمایه‌گذاران و همچنین دیگر افراد در لابی‌های اجلاس و نمایشگاه‌های بین‌المللی می‌شود و این امر به افزایش ارتباطات بین‌شهری منجر خواهد شد (Kosovac & Pejic, 2021; Acuto et al., 2017).

مهم‌ترین راه برای پرداختن به چالش‌های جهانی برای شهرها نه از طریق اقدام یک‌جانبه یا ایجاد روابط دوجانبه، بلکه از طریق توسعه شبکه‌های قوی و گسترده بوده است. در حالیکه شهرها مدت‌هاست که به دنبال ارتباطات فراملی برای پیشبرد منافع خود هستند، تنها در اوایل قرن بیست و یکم بود که انفجاری از شبکه‌های شهری و دیپلماسی رخ داد. شهرداران به‌طور فزاینده‌ای از قدرت خود استفاده کرده و آن را گسترش می‌دهند و با استفاده از شبکه‌ها راه‌حل‌های سطح شهری را برای چالش‌های جهانی ترویج می‌کنند (Klaus, 2020: 2). با گسترش شبکه‌هایی که با استفاده از فناوری ارتباطات تشکیل شده‌اند، امکان ورود شهرها به فضای جریان‌ات مرتبط با شبکه‌ها و کسب جایگاهی برای خود در اقتصاد جهانی درون این شبکه فراهم شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۱). امروزه، بسیاری از شبکه‌های شهری در سراسر جهان مقامات محلی را در سطوح مختلف جهانی و منطقه‌ای به‌منظور همکاری چندجانبه گرد هم می‌آورند.

تجربیات جهانی دیپلماسی شهری در زمینه تشکیل شبکه‌های شهری-منطقه‌ای

در دهه‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که شهرداری‌های شهرهای جهان به آن توجه کرده‌اند، مسئله بهبود وضعیت شهرهای خود از طریق تقویت دیپلماسی شهری با پیوستن به سازمان‌ها و مجامع شهری بین‌المللی است. برای تبدیل شدن به اقدامات دیپلماتیک شهری، دیپلماسی شهری باید از فیلتر روش‌های عملی که از طریق نهادها و سازمان‌های تخصصی انجام می‌شود، عبور کند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین سازمان‌ها و نهادهای فعال در زمینه دیپلماسی شهری در سطح منطقه‌ای به‌همراه مهم‌ترین اهداف و حوزه‌های کاری، تعداد اعضاء و محل استقرار آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

شبکه شهرهای اروپایی^۴

شبکه شهرهای اروپایی شبکه‌ای از شهرهای بزرگ اروپا است که در سال ۱۹۸۶ توسط شهرداران شش شهر بزرگ بارسلونا، بیرمنگام، فرانکفورت، لیون، میلان و روتردام تأسیس شد و از آن زمان به نمایندگی از یک چهارم جمعیت اروپا رشد کرده است و شامل ۶۰۰۰ سیاستمدار، کارشناس و مقام رسمی می‌باشد. یوروسیتی بزرگ‌ترین شبکه شهرهای اروپایی است و مقر آن شهر بروکسل در بلژیک است. حدود ۲۰۰ شهر در این شبکه عضو هستند و بیش از ۱۵۰ میلیون نفر را در ۳۸ کشور، از جمله کشورهای داخل و خارج اتحادیه اروپا، نمایندگی می‌کنند. اهداف شبکه شهرهای اروپایی عبارت‌اند از:

❖ تلاش برای به اشتراک‌گذاری دانش و تبادل ایده‌ها و ابتکارات؛

⁴ Eurocities

❖ انعکاس مسائل روزمره شهروندان شهرهای اروپایی به اتحادیه اروپا؛

❖ تقویت نقش مهم دولت‌های محلی برای ایفای نقش در چارچوب حکمروایی چند سطحی.

مأموریت شبکه ایجاد مکان‌هایی است که مردم بتوانند از کیفیت زندگی مناسب در یک محیط سالم و سبز لذت ببرند و راه‌حل‌های کم‌کربن و هوشمند هوای پاک‌تر و خدمات عمومی بهتری را فراهم می‌آورند. شبکه جایی است که دولت‌های محلی یکدیگر را ملاقات می‌کنند، ایده‌ها را تبادل می‌کنند و برای ایجاد تغییرات مثبت تلاش می‌کنند. اقدامات سازمان در زمینه‌های گسترده‌ای انجام می‌شود و از طریق فعالیت‌های لابی‌گری و پروژه‌ها تغییرات را تسهیل می‌کنند. به‌طوریکه عضویت فرصت‌های گسترده‌ای برای شبکه‌سازی، فعالیت‌ها، رویدادها، آموزش و کمپین‌ها ارائه می‌دهد. تلاش‌های حمایتی شبکه منعکس‌کننده مواضع توافق‌شده از طریق شهرهای عضو از طریق فروم‌های موضوعی و ۴۰ گروه کاری در زمینه‌هایی از جمله آلودگی صوتی، برابری جنسیتی و حمل و نقل پایدار است. پروژه‌های کاری در نه حوزه موضوعی شامل حکمرانی، آب و هوا و محیط زیست، تحول دیجیتال، فرهنگ، غذا، حمل و نقل، مهاجرت، امور اجتماعی و توسعه اقتصادی گسترش می‌یابد (Eurocities.eu, 2024).

شبکه شهرهای مدیترانه^۵

شبکه شهرهای مدیترانه در سال ۱۹۹۱ زمانیکه ۱۶ شهر به‌طور اولیه یک شبکه را برای حمایت از حفاظت محیط زیست از منظر محلی تشکیل دادند در بارسلونا تأسیس شد. در سال ۲۰۱۵، این شبکه به یک سازمان کاملاً مستقل تبدیل شد و اکنون ۷۳ نهاد محلی از تمام سواحل حوضه مدیترانه را گرد هم می‌آورد. تحول شبکه به یک انجمن قانونی، ظرفیت عملیاتی آن را افزایش داده و توانایی‌اش را در ترویج توسعه پایدار شهری در منطقه تقویت کرده است. سازمان به تقویت دولت‌های محلی مدیترانه‌ای کمک می‌کند تا به اولویت‌های استراتژیک خود دست یابند و بر این باور است که این دولت‌ها نقش حیاتی در بهبود زندگی شهروندان ایفا می‌کنند. این سازمان صدای مدیترانه‌ای برای مقامات محلی است و ظرفیت آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های حکمرانی محلی به‌طور پایدار افزایش می‌دهد. شبکه شهرهای مدیترانه کار خود را برای حمایت از شهرها در مواجهه با مشکلات محیط زیستی شهری آغاز کرده و در حال حاضر، فعالیت‌های خود را در زمینه توسعه پایدار، مسائل اقلیمی و توسعه شهری گسترش داده و در راستای افزایش توانایی تولید و انتقال دانش در مسائل شهری بین شهرها عمل می‌کند. به این منظور، این سازمان سه مرکز انتقال دانش در شهرهای مالاگا (اسپانیا)، الفیحه (لبنان) و صفاقس (تونس) تأسیس کرده است و عضویت برای شهرهایی با جمعیت بیش از پنجاه هزار نفر واقع در سواحل مدیترانه و کشورهای اردن و پرتغال هدف ترویج فعالیت‌های آزاد ترجیح داده می‌شود. مأموریت سازمان این است که صدای شهرهای مختلف مدیترانه‌ای باشد تا نقش تعیین‌کننده آن‌ها را در این حوزه افزایش دهد. این انجمن کیفیت دموکراتیک را تقویت می‌کند و به شوراهای شهرهای عضو سازمان حمایت می‌دهد تا بتوانند توانمندی‌ها و منابع خود را برای پیشرفت در چالش‌های معاصر حکمرانی شهری (کاهش نابرابری، برابری جنسیتی، ایمنی و همزیستی) افزایش دهند و به دولت‌های محلی در مدیریت چالش‌های جدید در حکمرانی شهری کمک کنند. چشم‌انداز این است که به‌عنوان یک ذینفع سیاسی مدیترانه‌ای مرجع در دستور کار فراشهری و بین‌المللی عمل کند و صدای مقامات محلی باشد. سازمان، به‌دنبال ایجاد فضایی برای همکاری بین شهرها به‌منظور انجام و ارزیابی پروژه‌های شهری با منافع مشترک، تجارب خوب و مدیریت دانش است که توسط هیئت مدیره‌ای متشکل از ۷ تا ۹ عضو مدیریت و نمایندگی می‌شود: یک رئیس، پنج تا هفت عضو و دبیرکل. یک نایب رئیس و یک خزانه‌دار نیز منصوب می‌شوند. این افراد توسط مجمع عمومی فوق‌العاده منصوب و عزل می‌شوند و دوره مأموریت آن‌ها چهار سال

⁵ Network of the Mediterranean Cities

است. هیئت مدیره به دفعاتی که رئیس آن تعیین می‌کند و به ابتکار یا درخواست سه عضو جلسه تشکیل می‌دهد (Medcities.org, 2024).

اتحادیه شهرهای بالتیک^۶

اتحادیه شهرهای بالتیک (UBC) یک شبکه متشکل از حدود ۱۰۰ شهر در منطقه دریای بالتیک است که شامل شهرهای عضو از ۱۰ کشور عضو از جمله دانمارک، استونی، فنلاند، آلمان، لتونی، لیتوانی، نروژ، لهستان و سوئد می‌باشد و در سال ۱۹۹۱ در گدانسک تأسیس شده است. UBC یک شبکه داوطلبانه و پیشرو است که پتانسیل مشترک شهرهای عضو خود را به کار می‌گیرد. اهداف UBC عبارتند از:

- ❖ ترویج همکاری و تبادل تجربیات بین شهرها در منطقه دریای بالتیک به منظور پیشرفت و ارائه راه‌حل‌های پایدار شهری و بهبود کیفیت زندگی و ایجاد ارزش افزوده برای آنها؛
- ❖ ترویج شهرها به‌عنوان محرک‌های رشد هوشمند، پایدار، سبز و کارآمد از نظر منابع؛
- ❖ پیشبرد شهرها به‌عنوان مراکز فراگیر، متنوع، خلاق، دموکراتیک و ایمن، جایی که شهروندی فعال، برابری جنسیتی و سیاست‌گذاری مشارکتی ترویج می‌شود؛ و
- ❖ دفاع از منافع مشترک شهرها و شهروندان آنها، اقدام به نمایندگی از طرف آنها و پیشبرد منافع منطقه دریای بالتیک. اتحادیه شهرهای بالتیک و شهرهای عضو آن با همکاری نزدیک با سایر شرکا، به‌طور فعال در اجرای استراتژی‌های منطقه‌ای، به‌ویژه استراتژی اتحادیه اروپا برای منطقه بالتیک^۷ شرکت می‌کنند. شهرهای عضو، هسته اصلی کار عملی و هدف‌محور اتحادیه را از طریق همکاری فعال در کمیسیون‌های موضوعی اتحادیه انجام می‌دهند. سازمان اصلی اتحادیه شهرهای بالتیک شامل ریاست، هیئت اجرایی و دبیرخانه بوده و دارای ۸ کمیسیون کاری شامل شهرهای فرهنگی، شهرهای فراگیر و سالم، شهرهای یادگیرنده، شهرهای برنامه‌ریزی‌شده، شهرهای ایمن، شهرهای هوشمند و شکوفا، شهرهای پایدار و شهرهای جوان است. کمیسیون‌ها بهترین شیوه‌ها و ابزارها را به اشتراک می‌گذارند و شبکه‌ای از کارشناسان برای مشاوره و همکاری فراهم می‌کنند. شهرهای قدیمی و جدید عضو تشویق می‌شوند تا با کمیسیون‌ها تماس بگیرند و به فعالیت‌های آن‌ها بپیوندند و کمیسیون‌های اتحادیه تشویق می‌شوند تا به‌دنبال شراکت با سایر ذینفعان باشند و به‌طور فعال در اجرای استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای، به‌ویژه استراتژی اروپایی برای منطقه بالتیک شرکت کنند (UBC.net, 2024).

۳ روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز بر مبنای روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع معتبر اینترنتی صورت گرفته است. روش کتابخانه‌ای در تمامی تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و شامل رجوع به کتب، مقالات، اسناد، مدارک، ضوابط، طرح‌ها و فیش برداری، دسته‌بندی و گردآوری اطلاعات موردنیاز پژوهش از آن‌ها می‌باشد که در برخی از تحقیقات، در بخشی از فرآیند و در برخی نیز از آغاز تا انتها مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، کتب و مقالات متعددی جهت بررسی رابطه بین شهرهای اطراف خلیج فارس در ابعاد منطقه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است. در این زمینه، اطلاعات لازم برای بررسی روابط خواهرشهری شهرهای منطقه، گذشته تاریخی روابط و نزدیکی فرهنگی بین کشورها، روابط بین‌الملل با کشورهای دیگر، امکانات و وضعیت کنونی منطقه و مسائل مختلف آن به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و ضرورت حضور و نقش‌آفرینی مقامات شهری و مسئولین محلی در حل بحران‌های منطقه با بهره‌مندی از ابزار دیپلماسی شهری و از طریق عضویت در اتحادیه بین‌المللی شهرهای اطراف

^۶ Union of the Baltic Cities (UBC)

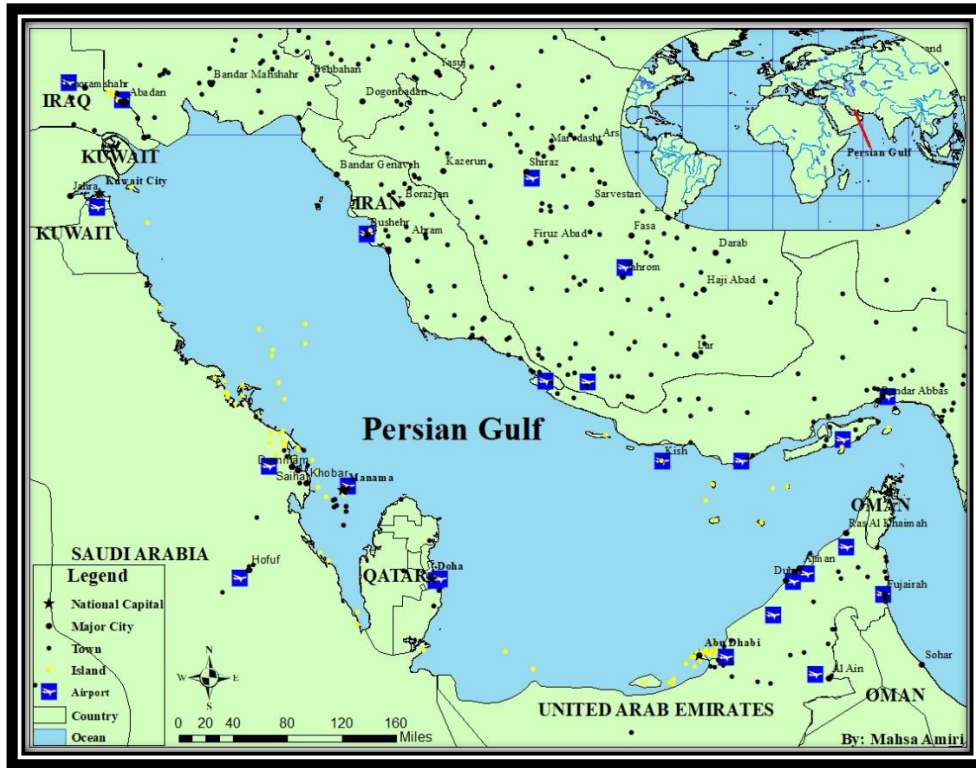
^۷ European Union Strategy for the Baltic Sea Region (EUSBSR)

خلیج فارس جهت به اشتراک گذاشتن تجارب موفق اعضاء و توسعه همکاری میان آنها مورد توجه قرار گرفته است. همچنین با کمک نرم افزار Arc GIS، موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و شهرهای منطقه معرفی شده است.

۴ تجزیه و تحلیل یافته‌ها

خلیج فارس - بخش کوچکی از وسعت عظیم آبی که در دوران باستان به‌عنوان دریای پارس شناخته می‌شد - در عرض جغرافیایی ۲۴ تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۴۸ تا ۵۶ درجه و ۲۵ دقیقه شرقی از خط مرزی گرینویچ واقع شده و مساحتی حدود ۲۳۷۴ درجه دارد. طول آن ۸۰۵ کیلومتر است (از تنگه هرمز تا آخرین نقطه پیشروی آن در سمت غرب) و به‌عنوان سومین خلیج بزرگ جهان پس از خلیج مکزیک و خلیج هادسون شناخته می‌شود. خلیج فارس به‌عنوان گرم‌ترین منطقه آبی در جهان شناخته می‌شود و دارای آب و هوای خشک و نیمه‌استوایی است. پهن‌ترین قسمت آن ۱۸۰ مایل و عمیق‌ترین نقطه آن ۹۳ متر، ۱۵ کیلومتر دورتر از جزیره تنب بزرگ، و عمیق‌ترین قسمت آن در غرب بین ۱۰ تا ۳۰ متر است. عمق کم دریای پارس باعث شده که زمین به‌طور منظم به دریا منتقل شود (مرکز مطالعات خلیج فارس، ۲۰۲۴).

در دهه‌های گذشته، خلیج فارس بدون شک یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جهان از نظر ژئوپلیتیک و محاسبات ژئواستراتژیک بوده و به‌عنوان یک بزرگراه تجاری برجسته است (حافظنیا و فرجی، ۱۳۹۳: ۸۶). این منطقه نقش حیاتی در تأمین انرژی ایفا می‌کند و به‌ویژه منبع بخش بزرگی از نفت جهان است (Garlic & Havlova, 2020: 83). علاوه بر این، تنگه هرمز - گذرگاهی به شکل هلال - که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند همراه با موقعیت تجاری مناسب، منجر به اهمیت آن به‌عنوان یک مرکز تجاری یا بزرگراه ارتباطی شرق-غرب شده که از دلایل اهمیت استراتژیک خلیج فارس به‌شمار می‌آید (ربیعی و صادقی، ۱۳۹۳: ۴۴۶-۴۴۷). شکل ۱، موقعیت جغرافیایی منطقه خلیج فارس و شهرهای اطراف آن را نمایش می‌دهد.



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی منطقه خلیج فارس و شهرهای اطراف آن

خلیج فارس - به‌عنوان یکی از زیرسیستم‌های آسیای جنوب غربی - همواره منطقه‌ای متمایز با هویت خاص خود بوده و بنادر آن، ترکیبی اجتماعی-متشکل از اقوام مختلفی چون عرب‌ها، ایرانی‌ها، هندی‌ها، بلوچ‌ها، آفریقایی‌ها و گروه‌های کوچک‌تر داشته است. اگرچه در شبه‌جزیره عربی اکثریت سنی و در فلات ایران اکثریت شیعه وجود داشت، خلیج فارس از نظر مذهبی مختلط بود. پیش از دوران مدرن، مردم این منطقه فرهنگ دریایی مشترکی را بر اساس مرورپذیری، ماهی‌گیری و تجارت دوربرد به اشتراک می‌گذاشتند و بخشی از یک سیستم به هم پیوسته بودند که شامل روستاهای کشاورزی و واحه‌هایی بود که تجارت کاروانی را تأمین می‌کرد. این وضعیت در قرن بیستم با شروع درآمدهای نفتی که به دودمان‌های حاکم تعلق گرفت، تغییر کرد و به همراه حمایت بریتانیا، منجر به سبک حکمرانی کمتر مشورتی و بیشتر خودکامه شد (Potter, 2017: 2-4). در منطقه خلیج فارس، به دلیل وجود گروه‌های قومی مختلف و فرقه‌های مذهبی گوناگون، بین کشورهای آن اختلافات و تنش‌هایی وجود دارد. بیشتر ساکنین منطقه خلیج فارس عرب‌ها و در برخی مناطق دیگر کردها و ایرانی‌ها، از جمله دو گروه مذهبی شیعه و سنی و دربرگیرنده رقابت‌های ژئوپولیتیکی تاریخی آنها است. وجود برخی گروه‌های قومی و زبانی در خلیج فارس که مختص یک کشور نیستند (مانند کردها در عراق)، باعث عدم وحدت ملی در این کشور شده و شکاف‌های داخلی و خارجی دولت را تشدید می‌کند. کشورهای منطقه خلیج فارس چندقومیتی و چنددهیتی هستند و همواره با درگیری‌ها و چالش‌هایی از سوی گروه‌های داخلی مواجه‌اند (Sazmand & Ramezani, 2021: 97-98). اختلافات داخلی بین کشورهای منطقه یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی در این ناحیه است. این اختلافات هم در روابط بین ایران و عرب و هم در روابط داخلی عرب‌ها مشهود است و به دو طریق به کشورهای منطقه آسیب می‌زند. نخست، این موضوع زمینه‌های همکاری و همگرایی میان کشورهای منطقه را از بین می‌برد و فاصله‌ای میان کشورهای

منطقه و مواضع آن‌ها نسبت به یکدیگر ایجاد می‌کند. دوم، این امر موجب حضور کشورهای قدرتمند برای برقراری امنیت و پر کردن خلأ قدرت در این منطقه می‌شود (اخباری و قهرمانی، ۱۳۹۰: ۵۷ و ۶۰).

منطقه خلیج فارس، منطقه‌ای است که از نظر کشورهای مختلف بالاترین موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی را داشته و هنوز هم دارد. تراکم کشورهای غنی از نفت با وضعیت تنش‌آلود و ضعف‌های داخلی، وابستگی به قدرت‌های خارجی، نزدیکی ژئوپولیتیکی به پاکستان و افغانستان، و همچنین تفاوت‌های عمده در ساختار سیاسی-اقتصادی خلیج فارس، ویژگی‌های متمایزکننده این منطقه نسبت به سایر مناطق خاورمیانه است. خلیج فارس به دلیل کشف و استخراج نفت، وجود ذخایر و سیع انرژی و همچنین تحولات در سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در منطقه، کانون توجه بسیاری از قدرت‌ها بوده است (هرسیج و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۴). به‌طور کلی، خلیج فارس از نظر ویژگی‌های طبیعی و انسانی به‌عنوان یک منطقه ژئوپولیتیکی در نظر گرفته می‌شود، به‌گونه‌ای که ناحیه دریایی خلیج فارس مرز مشترکی میان کشورهای اطراف آن است. از سوی دیگر، کشورهای منطقه از نظر اقتصادی به این خلیج وابسته‌اند و به نوعی می‌توان گفت که این خلیج بخشی از منافع مشترک کشورهای اطراف آن بوده و اقتصاد آن‌ها بر پایه صادرات انرژی استوار است (دهقانیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۷).

با توجه به حساسیت جهانی و اهمیت روزافزون منطقه خاورمیانه و تنگه هرمز در معادلات امنیت جهانی، خلیج فارس در جایگاه هارتلند^۸ قرن بیست و یکم قرار گرفته است، به‌طوری‌که به‌عنوان محل تلاقی منافع بازیگران بزرگ جهانی محسوب می‌شود و نتیجه این منافع، چشم‌انداز امنیت آینده خواهد بود و همکاری در این زمینه را شکل خواهد داد (امام جمعه‌زاده و توسارکائی، ۱۳۸۷: ۳۶). در این منطقه، حجم بالایی از منابع اقتصادی در دسترس است که اهمیت ژئوپولیتیکی آن را افزایش می‌دهد (پوستین‌چی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). وجود بازارهای گسترده در منطقه به‌همراه فرصت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز در خلیج فارس، هر بازیگر دیگری را به فعالیت و پویایی در این منطقه در عصر جهانی‌شدن ترغیب خواهد کرد (Hoagland, 2005: 195). از طرفی، وجود جو بی‌اعتمادی بین کشورها و عدم تمایل به توافقات منطقه‌ای، زمینه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین دولت‌ها و واحدهای اقتصادی منطقه را تخریب کرده است. به همین دلیل، برخی از کشورهای منطقه به قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای برای دستیابی به اهداف و منافع خود و همچنین تضمین امنیتشان روی آورده‌اند. در نتیجه این سیاست، تنش در روابط دولت‌های منطقه با یکدیگر، افزایش جو بی‌اعتمادی و دخالت عوامل خارجی گسترش یافته است (فرج‌اللهی، ۱۳۸۹: ۴). وجود بی‌ثباتی در خلیج فارس نشان می‌دهد که کشورهای این منطقه همواره به سمت واگرایی حرکت کرده‌اند، علیرغم وجود عوامل بسیاری که به همگرایی کمک می‌کنند و در نتیجه، این منطقه مهم به بخشی ناپایدار از خاورمیانه تبدیل شده است (نامی، ۱۳۹۶: ۴۸). وجود منابع فراوان نفت و گاز در خلیج فارس باعث افزایش تنش در اختلافات بین کشورهای این منطقه شده است. از سوی دیگر، اختلافات مرزی کشورهای خلیج فارس به دلیل تفاوت‌های قومی، زبانی و نژادی پیچیدگی‌های زیادی دارند (کریم‌پور، ۱۳۸۰: ۱۲) و موانع زیادی را در مسیر رقابت‌های همکاری و یکپارچگی منطقه‌ای ایجاد کرده‌اند.

یکی از عناصر شکل‌دهنده به سیاست خارجی هر کشور، کدهای ژئوپولیتیکی آن کشور است که دستورکار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور در خارج از مرزهایش را ارزیابی و موقعیت‌های جغرافیایی را بررسی می‌کند (Taylor, 1994: 26) و در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی عمل می‌کند. اگرچه ایران کدهای جهانی ندارد، اما دارای کدهای منطقه‌ای و محلی است. ایران روابط دو ستانه گسترده‌ای با کشورهای عراق، عمان و قطر در حوضه خلیج فارس دارد. همچنین، اگرچه برای مدتی روابط ایران با کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی تنش‌آمیز بود، اکنون این تنش تا حدی به روابط دو ستانه تبدیل شده است. روابط ایران و کویت نیز نسبتاً دو ستانه است. از سوی دیگر، روابط ایران و بحرین در گذشته

⁸ Heartland

خصمانه بود، اما در حال حاضر این دو کشور در وضعیت ایستایی قرار دارند. با این حال، این دو کشور نمی‌خواهند وضعیت موجود را بدتر کرده و به سمت روابط تنش‌آمیز حرکت کنند. شهرهای منطقه نیز تحت کدهای ژئوپولیتیکی حرکت می‌کنند و خارج از این کدها نمی‌توانند روابط دیپلماتیک با یکدیگر برقرار کنند. بنابراین، لازم است که روابط بین کشورهای حوضه خلیج فارس به سمت دوستی و نزدیکی حرکت کند تا روابط بهتری در مقیاس شهری نیز برقرار شود. در این راستا، با توجه به بحث کدهای ژئوپولیتیکی، سیاست خارجی ایران باید تلاش کند تا روابطی در قالب دیپلماسی رسمی گسترده با کشورهای همسایه، به‌ویژه کشورهای حوضه خلیج فارس برقرار کند، به طوری که کشورهای منطقه در چارچوب مفهوم دوست برای ایران تعریف شوند و به این ترتیب، دیپلماسی عمومی که دیپلماسی شهری بخشی از آن است، می‌تواند ارتباطات گسترده‌ای بین شهرهای حوضه خلیج فارس ایجاد کند.

شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای بین‌المللی در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد که شامل ۶ کشور عربی خلیج فارس (عربستان سعودی، قطر، بحرین، کویت، عمان و امارات متحده عربی) است تا با چالش‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی-فرهنگی مقابله کند (شکری و اکبریان، ۱۳۹۶: ۱۶۲). برای همگرایی با شهرهای ایرانی، ایجاد یک اتحادیه شهری بین‌المللی و تشکیل توافق‌های دوجانبه و چندجانبه بسیار مهم است. تشکیل چنین اتحادیه‌ای فضای مؤثری برای ایفای نقش شهرها، نهادها و سازمان‌های شهری منطقه در عرصه بین‌المللی فراهم می‌آورد و به شهرهای منطقه این امکان را می‌دهد که وضعیت اقتصادی، سیاسی، فناوری، فرهنگی و زیرساختی خود را بهبود بخشند و قدرت، نفوذ و اعتبار کافی برای انجام فعالیت‌های گسترده کسب کنند. برگزاری نشست‌ها و اجلاس‌های مشترک فرصت‌ها و شرایط لازم را برای تبادل دانش و تجربه فراهم می‌کند تا ظرفیت‌های شهرهای منطقه شکوفا شود و این فرصت را برای اعضاء فراهم آورد که تجربه کسب کنند، موفقیت‌های خود را به اشتراک بگذارند و برنامه‌ها و سیاست‌های لازم را برای بهبود شرایط شهرها، کیفیت زندگی شهروندان و تحقق صلح در منطقه تدوین کنند. وجود فرودگاه‌های بین‌المللی در شهرهای منطقه همراه با ارتباطات دریایی، ریلی و جاده‌ای نیز می‌تواند فصل جدیدی از روابط بین شهرها را ایجاد کند. برخی از شهرهای اطراف خلیج فارس دارای فرودگاه‌های بین‌المللی هستند و پروازهای متنوع و منظم بین شهرهای کشورهای حاشیه خلیج فارس امکان حمل و نقل گسترده مسافران و کالاها را فراهم می‌آورد.

روابط خواهرشهری میان شهرهای منطقه

یکی از روش‌های تقویت دیپلماسی شهری، روابط خواهرشهری است. این روابط بر اساس یک رابطه دوستانه و هدفمند بنا شده است که بر مبنای تبادل اطلاعات و تجربیات و توسعه روابط فرهنگی، اقتصادی، فنی و شهری بین یک شهر و شهری دیگر خارج از مرزهای یک کشور شکل می‌گیرد (قورچی و کویانی‌راد، ۱۳۹۸: ۶۰). روابط دوجانبه بین شهرها به‌عنوان نتیجه‌ای از شباهت‌ها و مشترکات بین دو شهر شکل می‌گیرد و روابط خواهرشهری یکی از این نوع دیپلماسی شهری است که در جهان رایج است (جمالی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۲). این نوع همکاری بین‌المللی ظرفیت لازم برای مشارکت شهرها را فراهم می‌آورد که منجر به توسعه شهرهای درگیر می‌شود. از جمله فعالیت‌هایی که شهرهای خواهر و دوست در آن شرکت می‌کنند، می‌توان به تبادل دانش، گسترش سرمایه‌گذاری و صنعت گردشگری در شهرها، اجرای پروژه‌های مشترک در زمینه توسعه شهری و بهبود استانداردهای زندگی و همکاری در زمینه افزایش درک، همبستگی و گسترش توانایی‌های فنی و مدیریتی در کشورهای مختلف اشاره کرد (قاسمی و عبدالهی، ۱۳۹۵: ۶). وجود روابط خواهرشهری بین شهرهای کشورهای حاشیه خلیج فارس نقش مهمی در بهبود روابط میان اعضاء ایفا می‌کند. برخی از شهرهای کشورهای حاشیه خلیج فارس دارای روابط خواهرشهری هستند و در میان آن‌ها، برخی در سواحل خلیج فارس واقع شده‌اند. در این میان، ضروری است که شهرهای منطقه که روابط خواهرشهری ندارند، با توجه به شباهت‌ها و نزدیکی فرهنگی خود، از این نوع روابط بهره‌مند شوند. جدول ۱، برخی از روابط خواهرشهری بین شهرهای کشورهای حاشیه خلیج فارس را نشان می‌دهد.

جدول (۱): خواهرخوانده‌های شهرهای واقع در کشورهای حاشیه خلیج فارس

کشور	شهر	خواهرخوانده‌ها	کشور	شهر	خواهرخوانده‌ها
ایران	کیش	دبی	امارات متحده عربی	کیش	دبی
	شیراز	دوحه		شیراز	دوحه
	تهران	دبی، کویت، بغداد، کربلا	عربستان سعودی	تهران	دبی، کویت، بغداد، کربلا
	تبریز	کربلا، جده		تبریز	دبی، بغداد، تبریز
	مشهد	سامرا، کربلا، نجف، بغداد، مدینه	عراق	مشهد	طائف
	اصفهان	کویت		اصفهان	بغداد
	یزد	کربلا، نجف		یزد	بصره
	ساری	نجف		ساری	کربلا
	سنندج	سلیمانیه		سنندج	نجف
	شهرکرد	کربلا		شهرکرد	سامرا
	قم	کربلا		قم	مدینه
	ساری	نجف		ساری	سلیمانیه
	نجف‌آباد	نجف		نجف‌آباد	دوحه
	نیشابور	بصره، کربلا		بحرین	نیشابور
بجنورد	نجف	بجنورد	طائف		
عمان	مسقط	ابوظبی، کربلا	کویت	دبی، تهران، اصفهان، بصره، منامه	

کنسولگری‌ها

کنسولگری‌ها می‌توانند نقش مهمی در روابط میان اعضاء به‌ویژه با صدور ویزا و جذب گردشگران، تسهیل ورود سرمایه‌گذاران و کارآفرینان به منطقه و برگزاری رویدادهای ورزشی و نمایشگاه‌های مشترک ایفا کنند. کارکنان کنسولگری، نمایندگان دیپلماتیک در کشور میزبان هستند که وظایف مختلفی را برای کشور فرستنده مانند رسیدگی به مشکلات شهروندان خود در کشور میزبان و صدور ویزا و مجوزهای تجاری مورد نیاز بازرگانان انجام می‌دهند. بسیاری از شهرهای منطقه میزبان کنسولگری‌های کشورهای اطراف خلیج فارس هستند و نقش مهمی در روابط منطقه‌ای ایفا می‌کنند. لازم به ذکر است که با تشکیل کنسولگری‌های جدید در دیگر شهرهای اصلی منطقه، می‌توان گام مهمی در بهبود روابط بین شهرها برداشت. جدول ۲، سفارت و کنسولگری‌های واقع در شهرهای اطراف خلیج فارس را نمایش می‌دهد (EmbassyWorldwide, 2024).

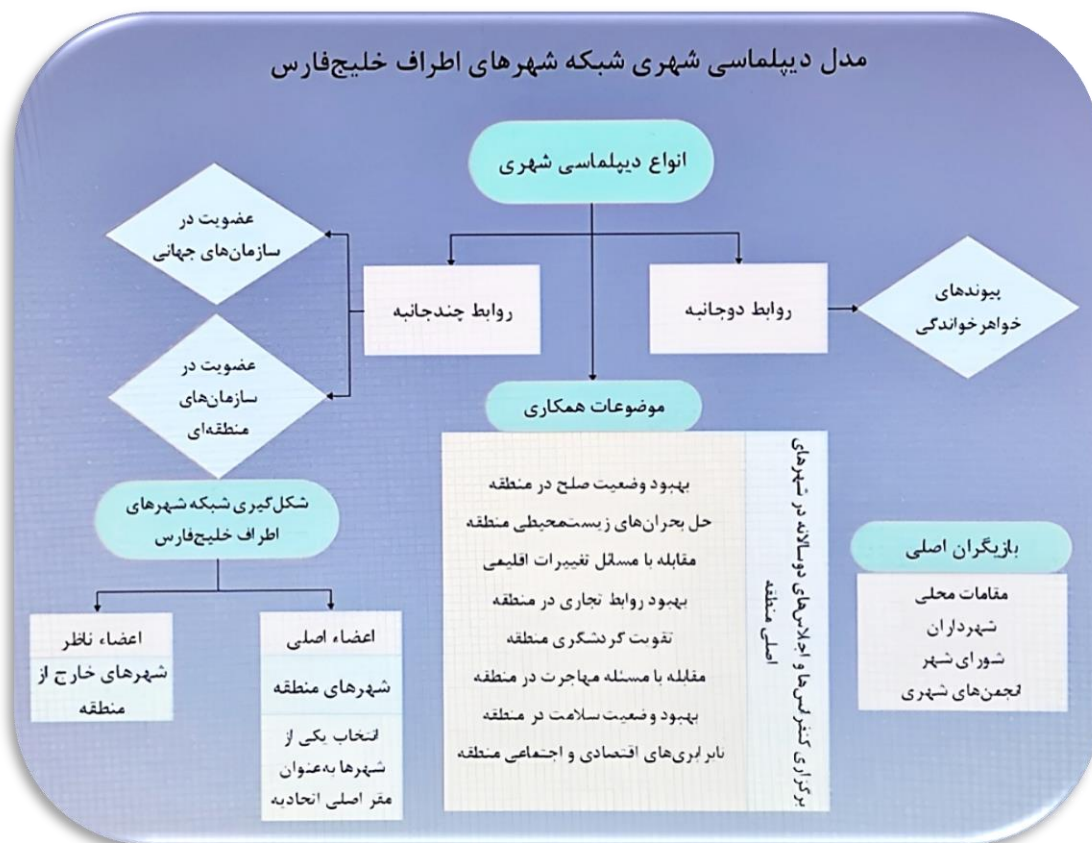
جدول (۲): سفارت و کنسولگری‌های واقع در شهرهای اطراف خلیج فارس

کشور	سفارت	کنسولگری	کشور	سفارت	کنسولگری
------	-------	----------	------	-------	----------

اهواز-ایران	کویت، ریاض، تهران، کرمانشاه-ایران	عراق	دبی-امارات متحده سلیمانیه-عراق اربیل-عراق	بغداد، کویت، مسقط، ریاض، دوحه، ابوظبی	ایران
جده-عربستان سعودی	مسقط، منامه، دوحه، ابوظبی				
دبی-امارات متحده	تهران، مسقط، ریاض، منامه، بغداد، دوحه، ابوظبی	کویت	نجف-عراق	مسقط، ریاض، بغداد، کویت، ابوظبی	بحرین
اربیل-عراق	تهران، مسقط، ریاض، منامه، بغداد، دوحه، ابوظبی				
جده-عربستان سعودی	تهران، مسقط، منامه، کویت، دوحه، ابوظبی	عربستان سعودی	جده-عربستان سعودی	تهران، مسقط، ریاض، منامه، بغداد، دوحه، کویت	قطر
دبی-امارات متحده	تهران، ریاض، منامه، کویت، دوحه، ابوظبی	عمان	جده-عربستان سعودی	تهران، مسقط، ریاض، منامه، بغداد، کویت	امارات متحده عربی
جده-عربستان سعودی					

دیپلماسی شهری در منطقه خلیج فارس را می‌توان به دو شکل روابط دوجانبه به صورت روابط خواهر شهری میان شهرهای کشورهای خلیج فارس و روابط چندجانبه با عضویت شهرهای منطقه در سازمان‌های بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مطالعه کرد. بازیگران فعال در زمینه مدیریت شهری بین‌المللی شامل شهرداران، شوراهای شهری، انجمن‌های شهری، مقامات محلی و غیره هستند که نقش مهمی در نمایندگی منافع شهرهای خود و به اشتراک‌گذاری تجربیات موفق شهری با سایر بازیگران شهری در عرصه فراملی ایفا می‌کنند. در سطح منطقه‌ای، امکان بهبود روابط بین شهرها در سطح بین‌المللی با تشکیل شبکه‌ای از شهرها در اطراف خلیج فارس وجود دارد. عضویت در این اتحادیه می‌تواند شامل اعضاء اصلی اتحادیه متشکل از شهرهای منطقه و اعضاء ناظر از سایر شهرهای خارج از منطقه باشد تا از تجربیات و دستاوردهای موفق آن‌ها استفاده شود. در این زمینه، انتخاب یکی از شهرهای اطراف خلیج فارس به‌عنوان مقر اصلی اتحادیه برای برگزاری جلسات مختلف بسیار مهم است. به این ترتیب و با برگزاری کنفرانس‌های چرخشی در هر یک از شهرهای عضو اتحادیه، مسائل و مشکلات منطقه مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد و سپس سطح تعاملات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره در شهرها گسترش می‌یابد که منجر به کاهش چالش‌ها و اختلافات در منطقه می‌شود. در این زمینه، باید در نظر گرفته شود که مقر انتخابی از نظر تقسیمات جغرافیایی طبیعی و انسانی دارای وضعیت مناسبی باشد. همکاری اعضاء نیز به صورت پرداختن به مسائل مختلفی که می‌توان با برگزاری جلسات و کنفرانس‌های دوسالانه در شهرهای اصلی منطقه مورد بررسی و رسیدگی قرار داد، انجام می‌شود. تقویت دیپلماسی شهری در منطقه خلیج فارس به شکل یک اتحادیه بین‌المللی می‌تواند به گسترش فعالیت‌های نهادهای شهری و مقامات محلی کمک کند تا از بروز درگیری‌ها جلوگیری کرده و صلح را در منطقه برقرار سازند. تلاش برای رسیدن به یک وضعیت صلح‌آمیز در منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است و منجر به گسترش فعالیت‌های اعضاء در زمینه‌های مختلفی مانند تجارت، گردشگری، محیط زیست و غیره خواهد شد. فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها در منطقه همچنین می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری فرصت‌های همکاری بین‌المللی به‌ویژه در راستای دستیابی به توسعه پایدار میان اعضاء باشد. در این خصوص، به‌ویژه شهرهایی که با خطرات طبیعی مواجه هستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند و در صورت بروز هر گونه مشکل، کمک‌های بشردوستانه را ارائه و ارسال نمایند. در این میان، بخشی از تأمین بودجه شهرها می‌تواند از طریق روابط بین‌المللی، در زمینه جشنواره‌های غذایی و ارتباطات فرهنگی محلی انجام شود که گردشگران و مدیران شهرهای منطقه را جذب کرده و بخشی از کمبود بودجه شهرها را از حوزه‌های بین‌المللی جبران کند. تقویت دیپلماسی شهری منجر به حضور سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌های شهری خواهد شد، به طوری که با حذف موانع

جذب سرمایه‌گذاری خارجی، شرایط لازم برای توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی و اشتغال در پروژه‌های شهری فراهم خواهد شد. شکل ۲، مدل دیپلماسی شهری شبکه شهرهای اطراف خلیج فارس را نشان می‌دهد.



شکل (۲): مدل دیپلماسی شهری شبکه شهرهای اطراف خلیج فارس

۵ نتیجه‌گیری

امروزه سازمان‌های بین‌المللی در تلاشند تا قدرت ارتباط بین شهرها را در زمینه مدیریت شهری افزایش دهند و در این راستا، مدیران شهری سعی دارند فرصت‌های بیشتری برای حضور در عرصه‌های فراملی به‌دست آورند تا منافع شهرهای خود را نمایندگی کنند و تجربیات موفق شهری را در چارچوب فرآیندهای شبکه‌ای با استفاده از استراتژی دیپلماسی شهری به‌کار گیرند. منطقه خلیج فارس دارای نزدیکی‌های فرهنگی و قومی است و از گذشته تاکنون روابط اقتصادی بسیار پیچیده‌ای بین شهرهای شمالی این منطقه و شهرهای کشورهای جنوبی خلیج فارس وجود داشته است. همچنین، روابط اجتماعی و فرهنگی زیادی بین شمال و جنوب این منطقه برقرار است. در نتیجه، تشکیل یک اتحادیه بین‌المللی متشکل از شهرهای خلیج فارس، که مانند اتحادیه بین‌المللی مدیترانه و بالتیک، ارتباطات بین شهرها را در قالب یک اتحادیه با استفاده از دیپلماسی شهری تقویت کند، بسیار ضروری است. برای گسترش این روابط، یکی از این کشورها در منطقه باید پیشنهاد تشکیل اتحادیه بین‌المللی با کشورهای دیگر را مطرح کند و یکی از شهرهای اطراف خلیج فارس، به‌ویژه شهرهای شمالی که دارای تاریخچه‌ای طولانی هستند، به‌عنوان مقر و پایگاه شبکه شهری انتخاب شود. دبیرخانه این شبکه شهری می‌تواند یکی از شهرهای شمالی منطقه باشد و جلسات و کنفرانس‌های دوسالانه را به‌صورت چرخشی در دیگر شهرهای منطقه برگزار کند. این جلسات باید

موضوعات و مسائل مختلفی از جمله صلح، تغییرات اقلیمی، مهاجرت، حکمرانی خوب شهری، تبادلات تجاری، پاندمی‌ها، آلودگی هوا، سلامت و غیره را در دستور کار قرار دهند و هر دو سال یکی از این مسائل را در یکی از شهرهای منطقه پیگیری و مطرح کنند. حضور بازیگران و مقامات شهری شهرهای اطراف خلیج فارس در جلسات مختلف و فراهم کردن شرایط برای ایجاد فعالیت‌های گفت‌وگو میان اعضاء، منجر به نقش‌آفرینی مقامات شهری در مواجهه با ابعاد مختلف دیپلماسی شهری در منطقه و توسعه تعاملات دیپلماتیک خواهد شد. همچنین، زمانی که اجلاس‌ها برگزار می‌شود، آن‌ها می‌توانند زمینه تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی را در چارچوب دیپلماسی شهری فراهم کنند و همکاری خود را گسترش دهند. برخی فعالیت‌ها نیز در حال حاضر انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، بسیاری از بیماران از منطقه خلیج فارس برای خدمات پزشکی و بهداشتی به شیراز می‌آیند، برای مسائل کشاورزی، شهرهای شمالی خلیج فارس مورد استفاده قرار می‌گیرند و واردات فناوری از شهرهای جنوبی انجام می‌شود. در نهایت، این روابط باید در چارچوب یک شبکه شهری همکارمحور گسترش یابد و همگرایی وسیعی ایجاد شود که این همگرایی منجر به صلح و آرامش بیشتر در منطقه و جلوگیری از درگیری‌ها شود. علاوه بر عضویت اعضاء فعال که شامل شهرهای اطراف خلیج فارس است، اتحادیه بین‌المللی می‌تواند عضویت اعضاء ناظر و وابسته را در دستور کار خود قرار دهد تا از تجربیات موفق بهره‌مند شود و در همکاری با دانشگاه‌های مختلف، از منابع انسانی متخصص بهره‌مند شود و اقدامات لازم را برای حل مسائل و مشکلات منطقه انجام دهد.

منابع

۱. اخباری، م.، و قهرمانی، م. (۱۳۹۰)؛ جایگاه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در فرآیند جهانی‌شدن (با تأکید بر نقش آمریکا). فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نوین در جغرافیای انسانی. سال سوم، شماره چهارم.
۲. امام جمعه‌زاده، ج.، و تویسرکانی، م. (۱۳۸۷)؛ منطق و مبنای راهبردهای کلان امنیتی در خلیج فارس. مجله دانش سیاسی. سال چهارم، شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۸۷. صص ۶۶-۳۵.
۳. امیری، م.، خلیلی، ا.، و مفیدی شمیرانی، م. (۱۴۰۱)؛ تبیین مفهوم‌شناختی و ارائه الگوی دیپلماسی شهری در شبکه‌های شهری. مجله پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۱۰ (۴)، ۱۵۸-۱۳۵.
۴. پوستین‌چی، ز. (۱۳۸۸)؛ گذار از کمربند شکننده: بازسازی امنیت همیارانه در خلیج فارس. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال چهارم. شماره اول، صص ۱۵۰-۱۳۰.
۵. جمالی‌نژاد، م. (۱۳۹۵)؛ دیپلماسی شهری. انتشارات آرما، تهران.
۶. چمنکار، م. (۱۳۸۹)؛ نظریات اندیشمندان ژئوپلیتیک جهان در مورد اهمیت نظامی خلیج فارس. فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره اول. پاییز و زمستان ۸۹. صص ۱۷-۱.
۷. حافظ نیا، م.، و فرجی، ب. (۱۳۹۳)؛ تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای. مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰. فصلنامه آفاق امنیت. دوره هفتم. شماره ۲۴. صص ۱۰۶-۷۹.
۸. دهشیری، م.ر.، و رضایی جعفری، م. (۱۳۹۳)؛ نومنطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران. سیاست جهانی دوره سوم، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۲ (پیاپی ۸).
۹. دهقانیان، م.، حافظ‌نیا، م.ر.، و دهقانی، م. (۱۴۰۱)؛ تبیین الگوی منازعات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس. دو فصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر. سال چهارم، شماره شش، صص ۸۷-۱۱۸.
۱۰. ربیعی، ح.، و صادقی، م. (۱۳۹۳)؛ تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های جغرافیای سیاسی ایران در خلیج فارس در قرن بیست و یکم. مجموعه مقالات دهمین همایش ملی علمی-پژوهشی خلیج فارس. دوره ۱۰.

۱۱. شکر، م.، و اکبریان، ر. (۱۳۹۶)؛ شورای همکاری خلیج فارس از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. شماره ۳۰. صص ۱۸۴-۱۵۱.
۱۲. صادقی، م.، ربیعی، ح.، قورچی، م.، و عبدی، ع. (۱۳۹۹)؛ تبیین نقش اقتصاد سرمایه‌داری و فضای جریان‌ها در ظهور و نقش آفرینی شهرهای جهانی. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال شانزدهم، شماره ۱، بهار ۲۰۱۹. صص ۱۱۰-۱۳۷.
۱۳. فرج‌اللهی، ق. (۱۳۸۹)؛ ژئوپلیتیک خلیج فارس، ایران و آمریکا. نشریه اسلام. سیاست و ساختار بین‌الملل. پیش شماره ۱.
۱۴. قاسمی، ف.، و عبداللهی، ر. (۱۳۹۵)؛ بررسی مزیت پیوستگی خواهرخواندگی در تکنو شهرهای امروز، نمونه موردی (فرایبورگ، اصفهان). چهارمین همایش ملی الگوی معماری و شهرسازی اسلامی.
۱۵. قورچی، م.، و امانی، م. (۱۳۸۸)؛ دیپلماسی شهری در فرآیند جهانی شدن. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. دانش شهر. شماره ۷، بهمن ماه ۱۳۸۸.
۱۶. قورچی، م.، و کاویانی راد، ج. (۱۳۹۸)؛ بررسی همخوانی دیپلماسی شهری با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی: خواهرشهرهای کلان شهر تهران. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پانزدهم، بهار ۱۳۹۸، شماره ۱. صص ۸۴-۶۰.
۱۷. کریمی، م.، و حافظ‌نیا، م. (۱۳۹۷)؛ تبیین نقش دولت محلی در صلح‌سازی. فصلنامه ژئوپلیتیک - دوره چهاردهم، شماره ۵۱، آبان ۱۳۹۷. صص ۳۰-۱.
۱۸. کریمی پور، ی. (۱۳۸۰)؛ مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، (منابع تنش و تهدید). تهران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
۱۹. نامی، م.ح. (۱۳۹۶)؛ ویژگی‌های خلیج فارس. فصلنامه تخصصی مطالعات خلیج فارس. سال سوم. شماره چهارم. (پیاپی ۸). زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶.
۲۰. هرسیج، ح.، ابراهیمی پور، ح.، و باغبان، م. (۱۳۹۳)؛ روابط کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و ایران از منظر منطقه‌گرایی. مجله سیاست دفاعی. سال بیست و دوم، شماره ۸۸.
21. Acuto, M., Decramer, H., Kerr, J., Klaus, I., Tabory, S., & Toly, N. (2018); Toward City Diplomacy Assessing Capacity in Select Global Cities. Chicago Council on Global Affairs.
22. Acuto, M., Morissette, M., & Tsouros, A. (2017); City Diplomacy: Towards More Strategic Networking? Learning with WHO Healthy Cities. Global Policy. Vol. 8, Issue 1, 2017.
23. Beall, J., & Adam., D. (2017); Cities, prosperity and Influence, the role of city diplomacy in shaping soft power in the 21st Century. BRITISH COUNCIL.
24. Bloomberg, M. (2015); City Century. Foreign Affairs. 94 (5), pp. 116-124.
25. Busch, M., & Milner, H. (1994); The future of the International Trading System: International Firms, Regionalism, and Domestic Politics. In *Political Economy and the Changing Global Order*, edited by Richard Stubbs and Geoffrey R. D. Underhill, 259-76. New York: St. Martin's Press.
26. Daroudi, M., & Peimani, N. (2013); Assessing Urban Diplomacy Approach on Foreign Investors in Tehran Using Network Analysis Process - SWOT Analysis. Middle-East Journal of Scientific Research 15 (5): 715-722.
27. Fishbone, A. (2015); Municipal Foreign Affairs: A Study of the Offices of International Affairs in Europe and the USA. Robert Bosch Foundation Fellow. September 2015.
28. Garlick, J., & Havlová, Radka. (2020). China's Belt and Road Economic Diplomacy in the Persian Gulf: Strategic Hedging amidst Saudi-Iranian Regional Rivalry. Journal of Current Chinese Affairs, Vol. 49, No. 1, pp.

29. Gross, L. (1948); *The Peace of Westphalia: 1648-1948*. American Journal of International Law. NO4.
30. Hettne, B. (1994); *The New Regionalism: Implications for Development and Peace*. Helsinki: UNU/WIDER.
31. Hoagland, J. (2005); *The Gulf States and Regional Order*. London: Demos.
32. Hongyuan, Y., Leffel, B., Qianyuan, L., & Simon, C. (2021); *Bridging Theory on Global Corporate Hierarchy and City Diplomacy: The Case of China*. World Scientific.
33. <http://www.persiangulfstudies.com>.
34. <https://eurocities.eu/>.
35. <https://medcities.org/>;
36. <https://ubc.net/>.
37. Klaus, I. (2020); *The State of City Diplomacy*. Chicago Council on Global Affairs, Chicago, Illinois, USA.
38. Kosovac, A., & Pejic, D. (2021); *What's next? New forms of city diplomacy and emerging global urban governance*. Chapter. February 2021.
39. Kosovac, A., Hartley, K., Acuto, M., & Gunning, D. (2021); *City Leaders Go Abroad: A Survey of City Diplomacy in 47 Cities*. Urban Policy Research.
40. Leffel, B. (2018); *Animus of the Underling Theorizing City Diplomacy in a World Society*. The Hague Journal of Diplomacy 13 (2018), 502-522.
41. Musch, A., & Sizoo, A. (2009); *City Diplomacy: The Role of Local Governments in Conflict Prevention, Peace - Building and post-conflict Reconstruction*. Working Paper, February 2009.
42. Nicolson, H. (2001); *The Evolution of Diplomatic Method*. Leicester: University of Leicester Press.
43. Parnell, S. (2016); *Defining a global urban development agenda*. World Development, Volume 78, February 2016, Pages 529-540.
44. Potter, L. (2017); *Society in the Persian Gulf: Before and After Oil*. Georgetown University. School of Foreign Service in Qatar.
45. Pluijm, R., & Melissen, J. (2007); *City Diplomacy: The Expanding Role of Cities in International Politics*. Netherlands Institute of International Relations, Clingendael.
46. Ray, J.L. (1998); *Global Politics*. New York: Houghton Mifflin Company.
47. Santos, N. (2020); *City Diplomacy as a Tool for Improving the EU-China Cooperation: The Chinese and EU UNESCO creative cities*. 21 July 2020.
48. Sazmand, B., & Ramezani, A. (2021). *The Importance and Challenges of the Persian Gulf for China's Belt and Road Initiative (BRI)*. Journal of Iran and Central Eurasia Studies, Summer 2021, Volume 4. Issue 1: 75-108.
49. Taylor, P.J. (1994); *Political Geography*: Routledge Publishers.
50. Thonon, C B. (2006); *City Diplomacy Practices*, City Diplomacy Office of Diputacio Barcelona, Barcelona.